

به نام خدا

داستان اولین صعود بر بام جهان

قله اورست

نویسنده : جان هانت

مترجم : غلامرضا توکلیان

انتشارات طاق بستان ۱۳۹۴

سرشناسه: هانت، جان، ۱۹۹۸، ۱۹۱۰ م
عنوان و نام پدید آور: داستان اولین صعود بر بام جهان، قله اورست نویسندہ: جان هانت، مترجم: غلامرضا توکلیان.

مشخصات نشر: کرمانشاه، طاق بستان: ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۲۴۰ ص، رقعی شابک: ۴-۳۶۰-۵۱۰-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: عنوان اصلی: The accent of Everest, ۱۹۵۳

موضوع: اورست (قله)

موضوع: گروه کوهنوردی اورست (۱۹۵۳)

شناسه خزود: غلامرضا توکلیان، ۱۳۳۷/۰۶/۱۷، مترجم

ر. بندن کنگره: ۱۳۹۴ ۲۸۵۸/الف/۴۹۵ DS

رده بندی دیویی: ۹۵۴/۹۶

شماره کتابشناسی ملی: ۳۸۸۶۴۱۷

اثرات ملایم

■ عنوان: داستان اولین صعود بر بام جهان، قله اورست

■ نویسندہ: جان هانت

■ مترجم: غلامرضا توکلیان

■ ویراستار: نیلوفر سالمیان

■ ناشر: طاق بستان

■ نوبت چاپ: اول- ۱۳۹۴- کرمانشاه

■ شمارگان: ۱۰۰۰

■ قطع: رقعی، ۲۴۰ ص

■ شابک: ۴-۳۶۰-۵۱۰-۹۶۴-۹۷۸

■ قیمت: ۸۰۰۰ تومان

کرمانشاه: خیابان آیت اله کاشانی (دبیر اعظم) روی روی هتل بیستون

تلفن: ۰۸۳۳۷۲۹۱۷۳۲ فاکس: ۲۲۷۱۶۴۳

Email: Taqhbostan_book@gmail.com

فهرست

عنوان.....	صفحه.....
مقدمه.....	ه.....
گفتاری از مترجم.....	ح.....
نکته.....	ط.....
سخنی در آغاز.....	ی.....
الین تلاشی که جهت صعود مرتفع‌ترین قله جهان به ثمر نشست.....	ک.....
فصل اول: مدارکات.....	۱.....
فصل دوم: نال.....	۲۱.....
فصل سوم: آشنایی.....	۴۵.....
فصل چهارم: کم‌تری «نوار و ستونها».....	۶۵.....
فصل پنجم: جبهه لوتسه «است یک».....	۷۷.....
فصل ششم: نقشه و طرح برنامه.....	۹۱.....
فصل هفتم: جبهه لوتسه «قسمت دوم».....	۱۰۳.....
فصل هشتم: گردنه جنوبی (۱).....	۱۲۳.....
فصل نهم: گردنه جنوبی (۲).....	۱۳۵.....
فصل دهم: قله‌ی جنوبی.....	۱۵۱.....
فصل یازدهم: حمله.....	۱۶۱.....
فصل دوازدهم: صعود قله اورست.....	۱۷۷.....
فصل سیزدهم: بازگشت.....	۲۰۵.....
فصل چهاردهم: بازنگری نکات ارزنده.....	۲۱۵.....
بخش پایانی.....	۲۱۹.....

دست داده و بازگشتند و این افتخار را به «هیلاری» و «تنسینگ» دادند تا ۲ روز بعد (۲۹ می ۱۹۵۳) ساعت ۱۱/۳۰ صبح پا بر بام جهان بگذارند. هر دو به مدت ۱۵ دقیقه بر روی قله ایستادند؛ «هیلاری» با دوربینی که همراه داشت، چند عکس از «نورگی تنسینگ» گرفت؛ اما چون «تنسینگ» طرز کار با دوربین را بلد نبود نتوانست عکسی از هیلاری برای ثبت در تاریخ در هنگام فتح قله بگیرد.

گفته می‌شود که در همان زمان نام «ادموند هیلاری» به عنوان اولین فاتح اورست، بر سر زبان‌ها افتاد، ولی همیشه از نام شریا «تنسینگ» به عنوان همراهش یاد می‌کرد.

جالب آنکه ۵۰ سال پس از این صعود تاریخی، «جابلینگ نورگای»، پسر «تنسینگ نورگای» در «ستر هیلاری» پسر «ادموند هیلاری» در آوریل ۲۰۰۳ موفق به صعود به اورست در پنجاهمین سالگرد صعود پدران‌شان شدند.

اینک که این ترجمه‌ی ماندگار و تاریخ ساز را می‌خوانیم، ۶۱ سال از نخستین صعود بر بام دنیا، اورست (۲۹ می ۱۹۵۳) می‌گذرد. تقریباً تمامی اعضای این تیم دنیای فانی را وداع گفته اند و تنها بازمانده‌ی آن تیم، «کانجا شریای» ۸۱ ساله نیالی است که در آن زمان ۱۹ سال داشت و در قید حیات است. بر اساس پیگیری و مشاهداتم، تاکنون هیچ نوشتار مدونی از این رویداد بزرگ تاریخی در کتاب‌های کوهنوردی کشورمان دیده نشده است.

لذا برگردان شیوا و روان رضا توکلیان کارشناس و مدرس زبان و ادبیات انگلیسی، از کوهنوردان با تجربه و از بنیان و مؤسسين گروه کوهنوردی

بهستون کرمانشاه، بدون اغراق یکی از آثار ارزنده و ماندگار در کتابت تاریخچه‌ی کوهنوردی دنیا در کشورمان خواهد شد.

گروه کوهنوردان بهستون کرمانشاه که صعودهای متعدد ۸۰۰۰ متری‌اش در پهنه‌ی کوهنوردی ایران و تابلو‌اش بر فراز قله‌ی اورست آوازه‌اش را جهانی نموده است، با ترجمه و انتشار این اثر رسالت روزافزون خود را در عرصه‌های گوناگون کوهنوردی تکامل می‌بخشد.

امید است با انتقال فرهنگ ناب و تاریخچه‌ی کوهنوردی به نسل آتی، در تعالی و بسط روزافزون آن مؤثر باشیم.

پاییز ۱۳۹۳ رضا شهلایی

گفتاری از مترجم

این کتاب به قلم جان هانت سرپرست برنامه، در انگلستان به دو صورت به چاپ رسیده است: یکی به نحو مفصل به نکات و... گزارش برنامه پرداخته شده که کتابی نسبتاً قطور است و چاپ دیگر که هم اینک در دست شماست خلاصه شده و دارای صفحات کمتری است. بنا به اهمیت و ارزش مطالب کتاب، مسئولین آن زمان بریتانیا توصیه نموده اند که یک جلد از چاپ کامل آن در هر خانه انگلیسی وجود داشته باشد (همانند دیوان حافظ در خانواده های ایرانی) و نیز چاپ خلاصه آن در مدارس تدریس و مورد مطالعه دانش آموزان قرار گیرد.

از گروه کوهنوردان بهستمن کرمانشاه که سالها افتخار عضویت در تشکیلات این گروه را دارم کوهنوردان بزرگی همانند: صحبت و رضا بهادری و رضا شهلایی را در این خود پرورش داده که آوازه‌ی کوهنوردی کرمانشاه را جهانی نموده اند، همچنین از اینکه در ادامه‌ی فعالیت‌های فرهنگی و ورزشی خود زحمت کارهای انتشار و چاپ این کتاب را به دوش کشیده، بخصوص از آقای کیومرث لاری از فعالان گروه بهستون و دبیر اسبق هیأت کوهنوردی استان و آقای رضا دوست محمدی که در «ونکوور» کار بازخوانی ترجمه را انجام داده، تقدیر و تشکر می‌نمایم.

مترجم

نکته

طراحی و ترسیم‌های اصل این کتاب توسط ساندولند RH.Sundelund انجام شده. نقشه‌ها را هادکیس Hudykiss کشیده است. یکی از تصاویر متن اصلی کتاب، توسط نیروی هوایی هندوستان عکس برداری گردیده و سایر تصاویر به وسیله‌ی اعضای تیم صعود کننده گرفته شده است. البته تمام این فعالیت‌ها با اجازه‌ی کمیته‌ی هیمالیانوردی مؤسسه‌ی سلطنتی نقش‌ها «کلپ آلپین» انجام گرفته است.

سخنی در آغاز

وقتی که پسر بچه‌ی کوچکی بودم، می‌شنیدم که کاپیتان اسکات «Scott» و همراهانش برای رسیدن به قطب جنوب، یا به قول خودشان انتهای زمین از سورتمه استفاده کرده‌اند. در زمان بازگشت اعضای شجاع این گروه، با اینکه کوشش و جهدشان در مبارزه با بادهای وحشتناک، برف، یخ و هوای بسیار نامساعد واقعاً شگفت‌انگیز بوده ولی در نهایت زندگیشان را از دست می‌دادند.

داستان این ماجرای متهورانه و در عین حال غم‌انگیز که در یادداشت‌های کاپیتان اسکات آورده شده است؛ خواندنش برای نسل‌های آینده بسیار اثرگذار و مفید می‌باشد؛ چرا که عزت نفس، رشادت، شکیبایی و پشتکار تیم اجرا کنندگان این برنامه تا حدود زیادی گذر از مشکلات روزمره‌ی زندگی و تصمیم برای انجام کارهای بزرگ را بسیار ساده می‌نماید.

درست است که ارتفاعات اورست بسیار دورتر از منطقه قطب جنوب است و داستان اولین صعودش چهل سال با برنامه‌ی مسافرت پیمایش قطبی اسکات، فاصله دارد؛ ولی من اعتقاد خالصانه دارم که این دو برنامه نکات مشترک زیادی با هم دارند.

گروه ما اورست را تابستان گذشته صعود کرد؛ امید اقرار کنم: درس‌های بسیار ارزنده‌ای از چگونگی و مقاومت اعضای تیم اسکات آموختیم که در موفقیت صعود اورست بی اندازه مفید بود.

خبر موفقیت صعود ما که در روز دوم ماه ژوئیه‌ی سال ۱۳۸۶ اعلام گردید، مردم جهان را به هیجان آورد. این یکی از آرزوهای من است که علاقه‌مندان به خصوص جوانان داستان این صعود را بخوانند و به‌خاطر بسپارند. مطالعه‌ی این برنامه غرور انگیز باعث می‌شود که فرصت‌هایی پیدا کنند که روح رقابت در همه‌ی امور مختلف زندگی چه در زمین، چه در هوا و چه در کوه‌ها و دریا گسترده شود.

«جان هانت»

اولین تلاشی که جهت صعود مرتفع ترین قله‌ی جهان به ثمر نشست

این گزارش شرح می‌دهد که چگونه در تاریخ بیست و نهم ماه می سال ۱۹۵۳ دو مرد «هیلاری» و «تنسینگ» به قله‌ی اورست، بلندترین قله‌ی گیتی پا نهادند و صحیح و سالم برگشتند؛ البته این اولین فعالیت انجام شده به منظور صعود اورست نیست؛ بلکه سی و دو سال قبل از سال ۱۹۵۳ یعنی سال ۱۹۲۱ تلاش‌های ارزنده و بزرگی برای دسترسی به قله‌ی اورست انجام شده است.

از زمانی که اولین تیم اعرامی برای کشف و تجسس به اورست فرستاده شد، تا کنون کوشش‌های زیادی برای رسیدن به قله صورت گرفته است؛ ولی تمام این فعالیت‌ها با ناکامی همراه است؛ شکست مواجه شده است و حتی بعضی از این جان‌فشانی‌ها به مرگ و نابودی افراد صعود کننده و یا مجروح و یخ‌زدگی اعضای بدن عده‌ای از آنان منجر گردیده است.

البته همین برنامه‌های شکست خورده توانست اطلاعات قابل توجه و راه‌گشایی پیش پای کوهنوردان بگذارد که در برنامه‌های بعدی شانس صعود قله را صد چندان نماید و بالاخره استفاده از مجموعه این اطلاعات سبب شد تا در سال ۱۹۵۳ بلندترین نقطه‌ی گیتی به تسخیرش برآید.

همان‌طور که علاقه‌مندان و پیگیران فعالیت در ارتفاع‌های هیمالایی‌دانند، بین سال‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۳۹ تمام تلاش‌ها جهت دسترسی به قله‌ی اورست، از جبهه‌ی شمالی (تبت) انجام می‌شد و کوهنوردان مجبور بودند یک راهپیمایی طولانی و خسته کننده را از شمال هندوستان تحمل نمایند. بعد از جنگ جهانی دوم مطابق قوانین وضع شده در کشور تبت، به

خارجی‌ها اجازه داده نمی‌شد که از طریق این کشور برنامه‌ی صعود به اورست را اجرا کنند؛ اما خوشبختانه در سال ۱۹۴۹ م در قوانین نپال برای نخستین بار به خارجی‌ها اجازه داده شد تا به سوی مرتفعترین نقطه‌ی جهان از طریق جبهه‌ی جنوبی که از نپال می‌گذرد سفر کنند و به این ترتیب این جبهه باز شد. در آن زمان تعداد کمی بودند که راجع به جبهه‌ی جنوبی اطلاع داشتند.

کوهنوردانی که از جبهه‌ی شمالی صعود می‌کردند، نگاهی به شیب‌ها و یخ‌های جبهه‌ی جنوبی می‌انداختند و گاهی از خود می‌پرسیدند: «آیا امکان دارد از سمت جنوبی به سوی قله صعود کرد؟»

از سال ۱۹۵۰ م، که یک گروه کوچک برنامه‌ی خود را در هیمالیا انجام داد تا زمانی که «اریک شیپتون» مشهور، سفری تجسسی، تحقیقی را در هیمالیا رهبری نمود، برنامه‌ای اجرا نگرفته بود.

گروه «شیپتون» نه تنها در برنامه‌ی تحقیقی خود در مسیر اورست، امکان دستیابی به قله‌ی اورست را بررسی کرد، بلکه راهی را از مشکلترین سمت آن مورد توجه قرار داد.

اخبار این فعالیت‌ها در بین کوهنوردان، بخصوص کوهنوردان سوئیسی باعث شد که توجه به اورست از جبهه‌ی جنوبی آغاز شود. آنها دو برنامه در سال ۱۹۵۲ م به اجرا در آوردند. در اولین برنامه، دو کوهنورد که یکی از آنها «شرپا تنسینگ» مشهور بود، توانستند تا ارتفاع ۸۰۰۰ متری اورست صعود کنند. در حقیقت صعود آنها تا این ارتفاع، مشوق بزرگی برای دیگر کوهنوردان شد. در این سال‌ها که فعالیت‌های انگلیسی‌ها در هیمالیا شروع شد، برنامه‌هایی جهت صعود به اورست انجام گرفته بود؛ از جمله: صعودی تمرینی که «اریک شیپتون» رهبری آن را عهده‌دار بود. در این برنامه

بسیاری از کوهنوردان از جمله «ادموند هیلاری» که بعداً فاتح اورست در سال ۱۹۵۳ شد شرکت داشتند. در این برنامه‌ی تمرینی، صعود به قله‌ی «چو آیو»، با ارتفاع ۸۱۸۶ متر انجام گرفت که در این صعود سیلندر و وسایل اکسیژن مورد آزمایش قرار گرفت. نتایج و تجربیاتی که در این برنامه حاصل شد، در اجرای برنامه‌ی صعود سال ۱۹۵۳ م بسیار مؤثر بود.

مهمترین مشکلات و عوامل صعود اورست :

ارتفاع اورست ۸۸۴۸ متر است که تا سال ۱۹۵۳ هیچ کوهنوردی قادر نبوده، نه از جبهه‌ی شمالی نه از جبهه‌ی جنوبی و نه از هیچ سمتی آنرا صعود کند؛ به خصوص ۳۰۰ متر به آخر مانده را. هوای نامساعد و مشکلات یکی پس از دیگری کوهنوردان را از دسترسی به رفیع‌ترین نقطه‌ی گیتی باز می‌داشت. گاهی آن‌قدر خف می‌شدند که شریاها با زحمت فراوان آنان را پایین می‌آوردند؛ اما اورست هم همان سر تسلیم فرود نمی‌آورد.

۳۰۰ متر آخر، بخش مشکل و فنی اوست که کمبود اکسیژن این سختی را دوچندان می‌کند. به نظر می‌رسد بدون اکسیژن، هیچ انسانی نمی‌تواند در این ارتفاع زنده بماند. کمبود اکسیژن نه تنها در تنفس بلکه در حرکات نیز مؤثر است؛ حرکاتی که در سطح صاف (سطح دریا) انجام می‌شود، بسیار روان و ساده است؛ در حالی که همین حرکات یعنی گام‌برداری و جلو رفتن در ارتفاع، خیلی کند و دشوار می‌شود. کمبود اکسیژن نه تنها در وضع فیزیکی بدن تأثیر دارد، بلکه در فکر و ذهن نیز اثر دارد و برای انسان بسیار سخت است که شفاف و صریح فکر کند؛ این در حالی است که او باید خیلی هوشیار بوده و در هر فرصتی مواظب خطر باشد. برای مقابله با کمبود اکسیژن دو راه وجود دارد؛ مرحله نخست: هم

هوایی یعنی به تدریج به تغییرات هوا عادت کردن و به تدریج به ارتفاع افزودن. این روش تا ارتفاع ۶۰۰۰ تا ۷۰۰۰ متر مفید است.

راه دوم: ذخیره اکسیژن است؛ یعنی حمل کپسول در پشت کوهنورد که با استفاده از آن کوهنورد می‌تواند بهتر و مطمئن‌تر به صعودش ادامه دهد. اندازه و وزن کپسول همیشه برای کوهنورد مسأله بوده است. البته نه تنها کپسول‌های اکسیژن بلکه چادر، کیسه خواب، چراغ خوراک پزی، مواد غذایی، سوخت، لباس، اندازه و وزن آنها مورد نظر و اهمیت کوهنوردان و شریاها و با...ها بوده است. بعضی از بارها به ناچار خیلی سنگین است؛ اما بدون آنها نمی‌توان کمپ‌ها که برای حفاظت کوهنوردان از طوفان، سرما و ... می‌باشد، غیر ممکن است.

کنترل هوا و سردی و گرمی آن در دست کسی نیست. بدی هوا و کمبود اکسیژن مهمترین مانع صعود کوهنوردان در اورست است؛ در فصل زمستان از نوامبر تا مارس بادهای سرد و شدیدی از شمال غربی می‌وزد و لایه‌ی ضخیمی از برف تازه، روی شیب قرار می‌گیرد و همین لایه باعث بهمن می‌شود. حدود شش ماه از سال این بادهای شدیداً بخش اعظم این منطقه‌ی بلند و دور از دسترس را فرا می‌گیرد. هیچ انسانی نمی‌تواند در مقابل این هجوم مقاومت کند. سپس در اوایل تابستان، باد شمال غربی قطع می‌شود. این بار اورست، مورد هجوم مه و بادهای مرطوب خلیج بنگال قرار می‌گیرد که برف‌های سنگین را در شیب‌های باد می‌نشاند و بدین ترتیب کوهنوردان با خطرهای و مشکلاتی که تقریباً غیر قابل پیش بینی هستند روبرو می‌شوند. در حقیقت شانس دسترسی به اورست محدود به زمان کوتاهی در ماه ژوئیه و یا اوایل ماه اکتبر می‌باشد که اورست آرام است؛ گرچه در این زمان‌ها نیز هوا به اندازه‌ای که بشود حمله‌ای

موفقیت آمیز داشت مناسب نیست. البته کوهنوردان با وجود سر سختی اورست می بایست به تنگناهای صعود فایق آیند. اگر به نقشه‌ی اورست نگاه کنید، متوجه خواهید شد که دستیابی به اورست از طریق دره‌ای که به «کم غربی» Western Cwm معروف است قابل صعود می باشد.

دو کوه عظیم دیگر به نام‌های «نوپتسه» Nuptse و «لوتسه» Lhoste مانند دیواری دره را احاطه کرده‌اند که تا دامنه‌ی اورست کشیده شده‌اند؛ اما مسیر این دره مستقیم نیست. در سمت چپ نقشه، به مکانی به نام آبشار یخی بر می‌خوریم؛ این جایی است که دشواری و خطرهای مسیر شروع می‌شود. این آسار در نقطه‌ای که یخچال خمبو بر آن مسلط است، قرار گرفته و حدود ۶۰۰ متر ارتفاع دارد. یک صخره‌ی یخچالی وجود دارد که دائماً در حال حرکت خفیف و کند می‌باشد، به طوری که حرکت آن قابل دید نیست؛ اما گاهی شکاف عیقی دهان باز می‌کند یا توده‌ی بزرگ چند تنی یخ، ریزش نموده و توده‌ها، این درخت آن در پایین تر پراکنده می‌شوند.

بعد از عبور از آبشار و وارد شدن به شیب‌ها، «کم غربی»، موانع جدیدی راه کوهنوردان را برای دستیابی به تیغه‌ها و ارتفاعات بالاتر می‌بندد. حدود ۳۰۰۰ متر جلوتر، ارتفاع هم‌جوار اورست، یعنی «لوتسه» قرار می‌گیرد. این تیغه‌ها به «لوتسه فیس» معروفند و دارای شیب‌های یخی بسیار بزرگی هستند که ارتفاع آن از بالای دره حدود ۱۲۰۰ متر است. بالای این قسمت، گردنه‌ی جنوبی قرار دارد. از گردنه‌ی جنوبی برای رسیدن به قله‌ی اورست باید حدود ۹۰۰ متر صعود کرد.

در این بخش از مسیر، به علت باد تند و شرایط فوق‌العاده دشوار جوی، کوهنوردان باید تلاش مضاعف و هوشمندانه‌ی خویش را هر چه بیشتر به

کار برند و برای زنده ماندن و حفظ انرژی از کپسول اکسیژن استفاده نمایند.

www.ketab.ir